

شاهین نادعلی نویسنده

در یک جمله یا صحبتی کوتاه به دیگران معرفی کند و چون شخصیت چندبعدی و جامع‌الاطرافی داشت، نمی‌توان وجوه شخصیتی او را در یک یاداشت کوتاه تبیین کرد اما به مصداق شعر معروف «آب دریا را اگر نتوان کشید/ هم به قدر جرعه‌ای باید چشید» نکاتی را در مورد آن بزرگمرد به زبان قلم می‌آورم.

ضمن این‌که به چند نکته اشاره کنم که در کمتر جایی بیان شده و در حقیقت تجارب زیسته خودم از ۲۰ سال زندگی با حاج قاسم عزیز است. در یک نگاه باید بگویم حاج قاسم شخصیتی بود که هر روز زندگی‌اش پیشرفت بود و به مصداق فرمایش حضرت علی (ع) هر روزش به لحاظ اجتماعی، اعتقادی و هرچیزی که در نظر بگیرید بهتر از روز قبل و رو به پیشرفت بود. انسان فکوری که هیچ‌گاه مطالعه را ترک نمی‌کرد و اهل دعا و نیایش بود. حاج قاسم به طور مرتب قرآن و نهج‌البلاغه می‌خواند و حتی قرآن را تفسیر می‌کرد. شاهداین مدعا هم این است که یک قرآن‌را که خودایشان به طور کامل تفسیر کرده بود به یکی از فرزندان هدیه دادند.

#### رمز توفیق حاج قاسم

اگر بخواهیم بدانیم چرا حاج قاسم با آن همه مشغله و مسئولیت‌های بزرگ و فراوان به جزئی‌ترین امور زندگی خود احاطه داشت، پاسخ آن یک کلمه است «برنامه‌ریزی». حاجی به معنای واقعی برای همه امورات زندگی کاری، اجتماعی و خانوادگی‌اش برنامه داشت و به اجرای دقیق آن مقید و ملتزم بود. شاید لازم باشد که اشاره کنم آنچه در این یاداشت کوتاه می‌آورم، نقل قول از دیگران یا حاصل خواندن در کتاب و جای دیگری نیست و آنچه بیان شده، حاصل سال‌ها زندگی با شهید حاج قاسم سلیمانی است. ایشان قول معروفی بین دوستان و نزدیکان داشت که می‌گفت من هر ساعتی از شبانه‌روز که بخوایم، نیم‌ساعت قبل از اذان بیدارم. خودم شاهد بوده‌ام که گاهی اوقات که بعد از ساعت‌ها کار و تلاش ساعت ۲ باامداد می‌خوابیدند، نیم‌ساعت قبل از اذان صبح بیدار بودند.

دبیرخانه پانزدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار، پس از بررسی آثار دریافتی، اسامی آثار راه‌یافته به بخش مسابقه فیلمنامه را اعلام کرد. در این دوره ۲۳ اثر به بخش مسابقه راه یافته و در پنج موضوع مختلف دسته‌بندی شده‌اند؛ فیلم‌نامه کامل داستانی، طرح و سیناپس داستانی، داستانی کوتاه، پویانمایی و بخش ویژه فلسطین. در بخش فیلم‌نامه

#### آثار بخش مسابقه جشنواره عمار اعلام شد

# مرد بحران‌های سخت

#### حاج قاسم هیچ چیز را برای شخص خودش نمی‌خواست اما وقتی پای عزت و جایگاه کشور به میان می‌آمد خیلی مراقب، دقیق و حساس بود

شاید بتوان گفت همه اوقات زندگی حاج قاسم کار و تلاش بود و ورد زبان ما شده بود که همواره با خودمان تکرار می‌کردیم «حاجی، خدا قوتت بده» این درحالی بود که ما به‌عنوان راننده یا همراه‌ایشان، با آن کار و مسئولیت کمتری نسبت به حاجی داشتیم، واقعاً گاهی اوقات به‌معنای حقیقی می‌پریدیم، به‌طوری‌که بارها به دوستانم گفته بودم معمولاً می‌گویند سخت‌ترین کار دنیا، کار در معدن است اما اگر از من بپرسند سخت‌ترین کار دنیا چیست؟ بدون درنگ می‌گویم کار کردن با حاج قاسم سلیمانی. نوعی از سختی و فشار که واقعاً توصیف آن مقدور نیست اما وجود شریف حاجی آن قدر عزیز بود که من خودم از سال ۷۶ تا ۹۶ و به مدت ۲۰ سال به‌عنوان اپراتور، راننده و بعداً مسئول مراجعات و همراه‌ایشان در حوزه مقاومت انجام وظیفه و زندگی کردم.

#### مهربان چون پدر!

البته که همه مردم عزیز ما چهره با محبت حاجی را در مقابل خانواده شهدا، اینارگران و جانبازان و عموم جامعه در خاطر دارند و همین‌گونه هم بود اما مسئولیت و حساسیت کار ایشان و فشارهای گوناگون آنقدر زیاد بود که ما به‌عنوان اطرافیان، در معرض چهره مصمم و قاطعی قرار داشتیم که کوچک‌ترین بی‌نظمی و کوتاهی در کار را بر نمی‌تابید و با هر اهمال و سستی به‌شدت برخورد می‌کرد و جالب است که

خود نیز به این موضوع اذعان داشتند و گاهی می‌گفتند من در آن دنیا جواب دوگروه یعنی خانواده و شما اطرافیانم را نمی‌توانم بدهم. حاج قاسم در کنار سختگیری که در کار داشت اما در ارتباط با گروه‌های مقاومت به خصوص رده‌های پایین خضوع و خشوع عجیبی داشت و واقعاً مانند یک پدر با آنها رفتار می‌کرد. با آنها نشست و برخاست و مزاح می‌کرد و خیلی‌های این نیروها را داشت. در عین حال در برخورد با مقامات دولتی در کشورهای گوناگون، سخت حواسش به جایگاه کشور جمهوری اسلامی ایران بود و به‌شدت مراقبت می‌کرد که کوچک‌ترین خدشه‌ای به آن وارد نشود. خوب خاطرم هست که در کشور سوریه با مقامات ارشد و وزرای این کشور جلسه‌ای داشتند. ما کمی زودتر رسیدیم و حاجی در همان محیط محل قرار شروع به قدم زدن کرد. چند باری از طرف میزبان مراجعه و دعوت کردند

برنامه معمول روزانه حاجی این بود که غالباً کارشان را از ساعت ۴ صبح با پیاده‌روی و کوه‌پیمایی شروع می‌کردند، ما هم ایشان را در مسیر همراهی می‌کردیم و مسیر را تا محلی که یک استخر در آنجا قرار داشت، ادامه می‌دادیم. بعد آن حاجی تنی به آب می‌زد و نیم‌ساعتی که ورزش می‌کردند، موسم اذان صبح می‌شد و معمولاً نماز را به جماعت اقامه می‌کردیم و برای شروع کار روزانه به ستاد نیرو بر می‌گشتیم.

#### حاج قاسم را به ندرت بیکار می‌دیدیم!

خوب است در همین ارتباط به خاطره‌ای که هرگز از یادم نمی‌رود، اشاره کنم؛ چون مقصد راهپیمایی نزدیک منزل ایشان بود، معمولاً این مسیر را پیاده می‌رفتیم. یک بار که صبح به سمت مقصد راه افتاده بودیم، نزدیکی‌های درب پارک جنگلی، یک سگ پارس کرد. حاجی رو به من کرد و گفت نادعلی این چی می‌گه؟ گفتم: حاج آقا به نظرم می‌گویند من هنوز خوابم، شما چرا بیدارید؟! می‌خواهم بگویم که سحرخیزی در این حد بود و همین مزاح‌های سنجیده و کوچک یک نشاطی به ما می‌داد. نکته بعدی این است که طی همه این سال‌ها به ندرت حاج قاسم را بیکار دیدیم، حتی داخل ماشین که بیشتر اوقات مشترک ما در آن می‌گذشت، معمولاً کتاب و مکتوب دیگری مطالعه می‌کردند، یا به‌نامه‌های اداری رسیدگی می‌کردند و گاهی نیز که ضرورت داشت و شهید حسین پورجعفری ارتباطی می‌داد، با تلفن صحبت می‌کردند.



بی او از رضا طالبی‌زاده در بخش داستانی کوتاه اشاره کرد. همچنین در بخش پویانمایی، آثار اعضا از مهدی بوستانی شهرستانکی و ایستاده در آوار از صائمه گیلانی مورد توجه قرار گرفته‌اند. بخش ویژه فلسطین نیز شامل سرمنز و گوکا از محمد جواد صالحی است. این جشنواره فرصتی مناسب برای نمایش خلاقیت‌های جوانان در عرصه فیلم‌نامه‌نویسی فراهم کرده است.

که به داخل سالن بروند و ایشان با گفتن چشم می‌آیم، مراتب ادب را به جا آورد. تازمانی که این مقامات رسیدند، جلسه شروع شد و حاجی هم وارد سالن آن جلسه شد. بعد جلسه در مورد این تامل در ورود به سالن. از یکی از دوستان سؤال کردم و ایشان گفت حاج قاسم خودش را نماینده جمهوری اسلامی می‌داند و اعتقاد دارد زمانی باید وارد جلسه‌ای شود که همه مستقر شده باشند و به احترام جمهوری اسلامی بیاخیزند. این درحالی بود که واقعاً حاج قاسم هیچ چیز را برای شخص خودش نمی‌خواست اما وقتی پای عزت و جایگاه کشور به میان می‌آمد خیلی مراقب، دقیق و حساس بود؛ امری که نکته‌بینی و دقت و حساسیت حاج قاسم، رانسبت به خاک و کشور و میهنش نشان می‌داد و در حقیقت جمهوری اسلامی ایران خط قرمز حاجی بود. اما همین حاج قاسم در مقابل آن نیروی دفاع وطنی و نیروی ساده فاطمیون و دیگر گروه‌های مقاومت خضوع و خشوعی داشت که انگار این مهر و محبت پایانی نداشت.

#### حاج قاسم را به دلیل صداقت و خلوص نیتش دوست داشتند

حاج قاسم را در کشورهای مختلف برای صداقتش دوست داشتند. بارها شنیدیم که ایشان می‌گفت من از دروغ متنفرم و مردم فقط ما را به خاطر صداقت مان دوست دارند و می‌پذیرند. درخصوص کشورهای مختلف و از جمله عراق که ارتباطات خاص‌تری داشتیم، نکته مهم این بود که هرکس مقابل حاجی می‌نشست با تمام وجودش حس می‌کرد ایشان دلسوز مردم آن سامان است و هیچ شبیه و پیله‌ای ندارد، و این موضوع مهمی در منش و رفتار و شخصیت حاج قاسم بود که همه را تحت تأثیر قرار می‌داد. خاطرم هست وقتی حاج قاسم مقابل یکی از سران قدرتمند خارجی نشست و گفت وگو کرد، بعد از جلسه او اعتراف کرد «من جز غیرت و صداقت چیزی در این مرد ندیدم.» جالب است که بگویم زمان

این جلسه ۱۰ دقیقه فرق شده بود، اما حاج قاسم به گونه‌ای آن جلسه را تحت تأثیر قرار داد که حدود یک ساعت ونیم ادامه پیدا کرد. و واقعاً هم حاج قاسم وقتی برای مذاکره یا حل‌وفصل موضوعی به جایی مسافرت می‌کرد از عمق جان به فکر مسائل و مشکلات آنها بود و هم‌تایان و رفقای حاجی به خصوص در حوزه مقاومت به این بعد اخلاقی و منش حاجی اعتقاد داشتند و احترام می‌گذاشتند و می‌دانستند، که حاج قاسم به منافع کشور آنها بی‌توجه نیست و مسائل و اصول اخلاقی در برخورد با دیگران برایش اهمیت فراوان دارد. ما که از نزدیک با حاج قاسم ارتباط داشتیم به خوبی احساس می‌کردیم که پیشرفت دیگر کشورها و سعادت مردم آن، چقدر برای ایشان مهم و در اولویت بود و به همین دلیل مردم از عمق جان حاج قاسم را دوست داشتند.

#### برش

#### حاج قاسم، پیروز جنگ روایت‌ها

اگر اهل دقت باشیم، جمله‌ای که روی مزار حاج قاسم نوشته شده واژه «سرباز» است و ایشان به معنای واقعی سربازی بود که خودش را متعلق به انسانیت می‌دانست و اگر دقت کنید بعد از این واژه سرباز، هیچ قید و بندی اضافه نشده است. یعنی من فقط سرباز جمهوری اسلامی نیستم و هر انسان مظلومی در هر جای کره خاکی که نیاز به کمک داشته باشد و دستم برسد به او کمک می‌کنم، شاید برای خیلی‌ها این سؤال پیش آمده باشد که نام حاج قاسم از چه زمانی و چرا مطرح شد؟ ابتدا به این نکته اشاره کنم که حاجی به‌شدت از دوربین و دیده‌شدن پرهیز داشت و خاطرم هست برخی اوقات که به عراق سفر می‌کردیم، به هیچ‌وجه اجازه نمی‌دادیم که از ایشان فیلمبرداری یا عکاسی شود. زمانی که در عملیات جلولای و سعدیه داعش را متوقف کردیم، و عقب رانندیم، آمریکایی‌ها اعلامیه دادند و گفتند که ما داعش را در این منطقه عقب راندیم و نابود کردیم! حاج قاسم وقتی این خبر را شنید گفت حالا بگویید که ببینند از ما عکس و فیلم بگیرند تا حضور جمهوری اسلامی در خط مقدم مقابله با داعش به خوبی نشان داده و معلوم شود. حاجی بسیار باهوش بود و قدرت رسانه‌رامی شناخت و می‌دانست که باید در روایتی که از این پیروزی می‌شود، جمهوری اسلامی دست بالا را داشته باشد. در حقیقت آنجا بود که نام حاج قاسم سلیمانی به رسانه‌ها راه یافت و باعث شد که حاجی نزد عموم معروف شود؛ معروفیتی که آن را برای خودش نمی‌خواست و همه آنچه را در این راه به دست آورد را خرج اعتقاد، ایمان و حفظ جمهوری اسلامی ایران کرد.

#### تولید

#### حضور صدراعلمی در جشنواره فجر

محمدرضا کریمی صارمی، معاون تولید کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان عنوان کرد: کانون امسال با فیلم «زیبا صدایم کن» ساخته آقای رسول صدراعلمی در چهل و سومین جشنواره فیلم فجر ثبت نام کرده است و ما این فیلم را به دبیرخانه جشنواره تحویل داده‌ایم. همچنین با یک فیلم دیگر هم در جشنواره ثبت نام کرده‌ایم که در حال تدوین است و اگر آماده نمایش شود آن را هم برای بازبینی به جشنواره ارائه می‌کنیم. وی درباره همکاری با رسول صدراعلمی توضیح داد: رسول صدراعلمی از بزرگان سینمای ایران هستند. حدود ۳ سال پیش من کتاب زیبا صدایم کن نوشته فرهاد حسن‌زاده را به ایشان پیشنهاد کردم. وقتی آقای صدراعلمی این کتاب را خواندند ظرف ۴- ۳ روز به من جواب دادند و گفتند که برای ساخت یک فیلم سینمایی کتاب خیلی خوبی است. البته داستان «زیبا صدایم کن» به سینمای آقای صدراعلمی هم نزدیک است.



#### سینما حقیقت

#### واکاوی تاریخ در مستند «فرح»



مجموعه مستند پنج قسمتی «فرح» به کارگردانی محسن کریمی‌ان به تولید رسید. به نقل از روابط عمومی سازمان اوج، مجموعه مستند پنج قسمتی فرح به کارگردانی محسن کریمی‌ان و تهیه‌کنندگی سعید صفار با موضوع عملکرد و زندگی فرح دیبا تولید و وارد مراحل فنی شد. مستند فرح روایتی متفاوت از کودکی تا آشنایی فرح دیبا با محمدرضا پهلوی است و در یک واکاوی تاریخی تلاش می‌کند با بهره‌گیری از فیلم‌های آرشیوی، عکس‌ها و اسناد تاریخی، زیست، زمانه و تأثیرات سیاسی، فرهنگی فرح پهلوی را مورد بررسی قرار دهد. قرار است از این مجموعه مستند پنج قسمتی یک نسخه سینمایی نیز تولید شود. محسن کریمی‌ان پیش از این مجموعه مستند ضد و همچنین مستند استان چهاردهم را کارگردانی کرده است. مستند فرح محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که در مرکز هنری رسانه‌ای محرم تهیه و آماده‌نمایش می‌شود.

#### قاب

#### درخشش پیانو در آرژانتین

انیمیشن «پیانو» به کارگردانی مشترک مرجان کشانی و شهاب شمس‌ی و از تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی در ادامه موفقیت‌های بین‌المللی خود، جایزه فیلم کوتاه شاخص پنجمین جشنواره دسینه آرژانتین را کسب کرد. پیانو انیمیشن کوتاه ۷ دقیقه‌ای است که به فقر و مشکلات زندگی می‌پردازد و روایت فردی است که می‌خواهد پیانو بخرد، اما بحران جنگ پیش می‌آید و از ساده‌ترین امکان‌های زندگی محروم می‌شود.

